

طراحی الگوی فرهنگ سیاسی مطلوب در مدیریت راهبردی فرهنگی کشور

مهدی ناظمی اردکانی^۱؛ علیرضا زرگر^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۸/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۴/۰۴

چکیده

«فرهنگ سیاسی مطلوب» در نظام راهبردی فرهنگی کشور، در تلاقی با دیگر اندیشه‌های راهبردی بوده و همواره گویای رویکردهای معرفت‌شناختی کنشگران سیاسی، دولت‌مردان و نیروهای اجتماعی است. در این عرصه، دغدغه منافع ملی، رفتار سازنده و همسازی بین کنشگران سیاسی مورد تأکید است. با نظر به تفاوت نگرش و رویکردهای فرهنگی، سیاسی و اجتماعی درون نظام، پیروی از نگرش واحد متصور نیست. از سوی دیگر قرار گرفتن جامعه در طیف ناهمسازی (منازعه) نیز موجب اختلاف شده و سرمایه اجتماعی نظام را دچار چالش می‌نماید. با عنایت به موارد فوق و مدنظر قرار دادن این نکته که با تغییر نظام‌های سیاسی گذشته (قاجار، پهلوی اول و دوم) و استقرار جمهوری اسلامی، جامعه ایران هنوز شاهد برخی رفتارهای ناهم‌سازانه و اختلاف برانگیز در سطوح ملی و راهبردی می‌باشد؛ پژوهش حاضر با هدف «طراحی الگوی فرهنگ سیاسی مطلوب در مدیریت راهبردی فرهنگی کشور» به رشته تحریر درآمده است. در پژوهش حاضر از روش تحقیق اسنادی، پرسشنامه و مصاحبه با چهل نفر از صاحب‌نظران خبره بهره گرفته شده است. همچنین برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از تکنیک تحلیل ساختار عاملی استفاده گردید که نتیجه آن ارائه «مدل مفهومی فرهنگ سیاسی مطلوب» مشتمل بر پنج عامل، سیزده مؤلفه و بیست و چهار شاخص می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: مدیریت راهبردی، فرهنگ، فرهنگ سیاسی مطلوب.

۱- دانشیار دانشگاه جامع امام حسین (علیه‌السلام) و نویسنده مسئول (رایانامه: mnazemi32@yahoo.com)

۲- دانش‌آموخته دکتری رشته مهندسی سیستم‌های فرهنگی دانشگاه جامع امام حسین (علیه‌السلام)

مقدمه

جامعه، در جهان مدرن امروز پدیده‌ای پویا، تأثیرگذار و تأثیرپذیر به‌شمار می‌آید. دسترسی مردم به منابع اطلاعاتی و ابزارهای ارتباط جمعی، نشان از شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی یا قدرت اجتماعی جدید است که مناسبات مدیریت سنتی را به چالش می‌کشد. این جامعه ارتباطی، به اقتضای برخورداری از ساخت‌های سیاسی نوین، نهادهای مردمی، رویکردها، نگرش‌ها، تحلیل‌ها و سلیقه‌های متفاوت، نیازمند مدیریت راهبردی فرهنگی تعامل‌گرا و هم‌سازانه است. از اصول مشترک مدیریت جوامع مدرن امروز، عملگرا و روشمند بودن است که معطوف به دانش، تجربه، عقلانیت، هماهنگی و همکاری جمعی در حوزه سیاسی، بین ساخت‌های سیاسی، نهادهای مدنی و کنشگران سیاسی است. بنابراین، حلقه وصل بین نظام راهبردی فرهنگی کشور با بدنه جامعه مدرن شبکه‌ای شده؛ از یک‌سو، شناخت و ادراک دقیق مفهوم بافت اجتماعی و از سوی دیگر، نوسازی، توسعه و ارتقای کارکرد کیفی ساخت‌های سیاسی و نهادهای اجتماعی است. بدین‌منظور طراحی الگوی فرهنگ سیاسی مطلوب در انطباق با رویکرد نظری گیدنز در تبیین نظام اجتماعی، الگوهای رفتاری و بازتولید فرهنگ رفتارهای اجتماعی هدف اصلی پژوهش حاضر می‌باشد.

مطالعات توصیفی و میدانی صورت‌گرفته درباره فرهنگ سیاسی صد ساله اخیر، علت شکست یا عدم‌موفقیت نهضت مشروطه و ملی شدن نفت را معطوف به اختلافات سیاسی - اجتماعی و فقدان مدیریت راهبردی فرهنگی مطلوب می‌داند. ناهمسازی در سطوح بالای رهبری جناح‌ها و لایه‌های اصلی جامعه، هم‌چون اختلاف بین نخبگان، شکاف بین حوزه و دانشگاه، ناهمسازی قومی و تشدید آن‌ها با دخالت سرویس‌های اطلاعاتی بیگانه مشهود می‌باشد.

در سپهر فرهنگ راهبردی مطلوب با مدیریت فرآیندهای پیوسته اجتماعی "فرهنگ همسازی" در برابر فرایندهای گسسته اجتماعی متأثر از "فرهنگ ناهمسازی"، بهتر می‌توان به رفتارهای متعادل اجتماعی دست یافت و به سمت مدیریت راهبردی فرهنگی کشور و ایجاد همسازی بین کنشگران سیاسی حرکت نمود.

همچنین منظور از الگوی فرهنگ راهبردی مطلوب، "فرهنگ همسازی سیاسی"^۱ است که با ایجاد نوعی فضای اجتماعی مطلوب، کنش متقابل دو یا چند شخص یا گروه‌های اجتماعی را فراهم و از ناهمسازی و تعارض پیشگیری کرده یا آن را کاهش داده یا از بین ببرد. اصطلاح «فرهنگ همسازی

سیاسی»، دارای ماهیت معنایی، آینده‌نگری و مدیریتی است و در بخش مفهوم‌سازی پژوهش حاضر به ابعاد اعتقادی، ارزشی، هنجاری و رفتاری آن توجه شده است. کارکرد اجتماعی این مقوله، تقویت سرمایه اجتماعی، میراث فرهنگی و تمدنی قلمداد می‌شود، چون از قابلیت انتقال بین‌نسلی برخوردار است.

دغدغه نگارندگان پژوهش حاضر این است که چرا با تغییر نظام‌های سیاسی گذشته (قاجار، پهلوی اول و دوم) و استقرار جمهوری اسلامی، جامعه ایران هنوز هم شاهد برخی رفتارهای ناهمسازانه و اختلاف‌برانگیز در سطوح ملی و راهبردی می‌باشد؛ درحالی‌که امروزه ضرورت قرار گرفتن جوامع در مسیر توسعه و نوسازی ساخت‌های سیاسی و اعمال مدیریت راهبردی فرهنگی بدیهی است. با عنایت به موارد فوق، پژوهش حاضر درصدد «طراحی الگوی فرهنگ سیاسی مطلوب» در مدیریت راهبردی فرهنگی کشور است.

مبانی نظری و پیشینه‌شناسی پژوهش

مدیریت راهبردی

اصطلاح مدیریت راهبردی^۱، مرکب از دو واژه مدیریت و راهبرد است. صاحب‌نظران مدیریت را فراگرد^۲ به‌کارگیری مؤثر و کارآمد منابع مادی و انسانی بر مبنای یک نظام ارزشی که از طریق برنامه‌ریزی، سازماندهی، بسیج منابع و امکانات، هدایت و کنترل عملیات برای دستیابی به اهداف تعیین‌شده، صورت می‌گیرد، تعریف کرده‌اند (رضائیان، ۱۳۷۹: ۸). فرهنگ لغات وبستر^۳ استراتژی یا راهبرد را علم و هنر به‌کارگیری نیروی بازوی جنگ‌جو برای محافظت و نجات امکانات در یک جنگ تعریف می‌کند (کینز، تام و همکاران، ۱۳۷۹: ۲۹).

برخی از اندیشمندان، مدیریت را «هنر انجام دادن کار به‌وسیله دیگران» (فالت، ۱۹۲۴) و «فراگرد تبدیل اطلاعات به عمل، این فراگرد تغییر و تبدیل را تصمیم‌گیری می‌نامند» (فورستر، ۱۹۶۲).

در جمع‌بندی تعاریف فوق، مؤلفه‌های (۱) فعالیت منظم و سازمان‌یافته؛ (۲) وجود هدف‌ها؛ (۳) روابط میان منابع؛ (۴) انجام دادن کار به‌وسیله دیگران؛ (۵) تصمیم‌گیری از اصول اساسی مدیریت محسوب می‌گردد. بنابراین، مدیریت، فعالیتی است منظم، در جهت تحقق هدف‌های معین که از طریق ایجاد روابط میان منابع موجود، انجام دادن کار با مشارکت افراد دیگر و شرکت فعال در

1- Management Strategic

۲- تغییر به سوی هدف با استفاده از سازوکار بازخورد را فراگرد گویند.

3- Webster

تصمیم‌گیری، صورت می‌گیرد (علاقه‌مند، ۱۳۸۶: ۱۲).
در تعریفی دیگر، مدیریت راهبردی عبارت از: «هنر و علم به‌کارگیری صحیح منابع انسانی و امکانات در محیط راهبردی و در جهت تحقق اهداف راهبردی».

فرهنگ

امروزه مقصود از فرهنگ^۱ یک منبع معنابخشی است که خیلی عمیق‌تر از رفتارهای عادات‌گونه اجتماعی است. "ال‌کروبر و کلاک‌هون" در کتاب خود، ۱۶۴ تعریف از فرهنگ را در شش دسته کلی ارائه کرده‌اند. آن‌ها نتیجه‌گیری خود را بدین ترتیب بیان کردند که فرهنگ پدیده‌ای انتزاعی است، اگر فرهنگ فقط همان رفتار باشد، عملاً در حیطه مطالعات روان‌شناسی قرار می‌گیرد. بنابراین، فرهنگ نوعی تصویر ذهنی از رفتار واقعی است، ولی عین رفتار نیست (صالحی امیری، ۱۳۸۶: ۱۶).

برخی نگاه مطلق و حداکثری به فرهنگ دارند، فرهنگ را اساس اندیشه، باورها، ارزش‌ها حتی تمام رفتار و داشته‌های یک جامعه قلمداد می‌کنند، مانند هرسکوویتس^۲، یا در نگاه وصف‌گرایانه به فرهنگ، با مفهومی اشاره می‌شود که مؤلفه‌های اجتماعی از جمله وفاق، اجماع، همکاری و هم‌سازی را نیز شامل می‌گردد، مانند بیدنی^۳ (آشوری، ۱۳۸۹: ۵۱). یا از منظر پیدایش‌شناختی، یک فراورده یا ساخته بشری قلمداد می‌شود. در این تعریف، فرهنگ شامل همه شیوه‌های اندیشه و رفتار است که با میانکنش ارتباطی^۴، یعنی با رسانش نمادین، به‌جای وراثت ژنتیک، دست‌به‌دست به نسل‌های بعدی می‌رسد (همان: ۷۱).

تعریفی که هم‌پوشانی نظری با این نوشتار دارد، رویکرد پارسونز به «فرهنگ» است. منظور از این رویکرد، استفاده روش‌مند از نظریه کارکردگرایی پارسونز برای ارائه تعریفی است که: (۱) کارکرد فرهنگ را در حوزه فرهنگ سیاسی نشان دهد؛ (۲) ناظر به چگونگی ارتباط سیستمی فرهنگ در انسجام‌بخشی نظام راهبردی فرهنگی کشور، ساخت‌های سیاسی، نهادهای اجتماعی و بین‌کشگران فرهنگ سیاسی باشد؛ (۳) تسهیل‌کننده در تنظیم چارچوب نظری تحقیق باشد. بنابراین، ابعاد چهارگانه رویکرد پارسونز با جامعه‌پذیرسازی موضوع این تحقیق تطابق نظری دارد.

- 1- cultur
- 2- Herskovits
- 3- Bidnry
- 4- Communicative interaction



سیاست

در علوم سیاسی، برخی مفهوم سیاست^۱ را محدود به حکومت و دولت نموده‌اند و برخی آن را شامل روابط قدرت و تضاد دانسته‌اند. دیوید هلد^۲، از حیث هنجاری و نوآورانه سیاست را تعریف می‌کند، او اعتقاد دارد: مفهوم نوین امر سیاست تحقق عملی ارزش عام آزادی در عرصه عمومی است (هلد، ۱۹۹۱: ۳۴۰ به نقل از چلبی، ۱۳۸۹: ۷۳). دیوید ایستون^۳، سیاست را «توزیع آمرانه ارزش‌ها برای جامعه» می‌داند (عالم، ۱۳۹۱: ۲۹). چلبی، پنج عنصر اساسی را در تحلیل ساختاری «مفهوم سیاست» لحاظ می‌کند که زور، علقه امنیتی و رابطه اجباری از نمونه‌های آن است (چلبی، ۱۳۸۹: ۷۴).

مهم‌ترین عنصر تعیین‌کننده و اجرای سیاست، قدرت است و شناخت آن وظیفه اصلی و اولیه علم سیاست می‌باشد. قدرت، همواره هسته و مرکز ثقل سیاست را به وجود می‌آورد و همه کشاکش‌ها در حوزه سیاسی به قدرت مربوط است. در واقع جوهره سیاست مربوط به ظرفیت‌سازی ساخت‌های سیاسی، نهادهای مدنی، کنشگران سیاسی و دولت‌مردان برای حفظ یا تغییر در عرصه فعالیت فرهنگ سیاسی است. تعریف عملیاتی نسبتاً فراگیر از سیاست با کارکرد داخلی در پژوهش حاضر به قرار زیر است:

«قدرت استفاده از ظرفیت بسیج منابع جامعه در راستای الگوی فرهنگ سیاسی مطلوب در مدیریت راهبردی فرهنگی کشور».

فرهنگ سیاسی

فرهنگ سیاسی^۴، مفهومی است که ریشه در نظام‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی دارد و به هم‌بستگی‌های درونی اجزای گوناگون این نظام‌ها دلالت می‌کند. در واقع، نظام‌های یادشده، آبخور اصلی فرهنگ سیاسی محسوب می‌گردند. عبدالرحمن عالم در کتاب «بنیادهای علم سیاست»، تاریخ ابداع و کاربرد فرهنگ سیاسی را برای نخستین بار به گابریل آلموند و سیدنی وربا^۵، نسبت می‌دهد (عالم، ۱۳۸۸: ۱۱۳-۱۱۲). آنان در کتاب «فرهنگ مدنی: ایستارهای سیاسی و دموکراسی در پنج کشور»، فرهنگ سیاسی را چنین تعریف می‌کند: "فرهنگ سیاسی مجموعه‌ای

- 1- The Political
- 2- David Held
- 3- D. Easton
- 4- Political Cultur
- 5- Gabriel Almond & Sidney Verba

از تمایلات شناختی، تحلیلی و احساسی است که نسبت به پدیده‌های سیاسی ابراز می‌شود (Almond and Verba, 1980:38). نگارندگان در تحقیقات خود، الگوی سه بُعدی برای فرهنگ سیاسی مطرح می‌نمایند که قابل تطبیق با برخی از نظام‌هاست. بر این اساس، فرهنگ سیاسی خاص، فرهنگی است محدود^۱، تبعی^۲ و مشارکتی^۳ (جعفرپور، ۱۳۸۹: ۱۵). نکته قابل ذکر در دسته‌بندی فوق این است، که آلموند و وربا این گونه‌شناسی را در ارتباط با نوسازی ساخت‌ها و سطح توسعه سیاسی مطرح نمودند. آنان معتقدند، نظام‌های بدوی دارای فرهنگ سیاسی از نوع ده کوره‌ای (محدود) و نظام‌های سنتی به مرحله فرهنگ سیاسی اطاعتی (تبعی) دست یافته‌اند و نظام‌های جدید فرهنگ سیاسی مشارکتی دارند (بدیع، ۱۳۷۹: ۶۰). بشیریه فرهنگ سیاسی را مجموعه نگرش‌ها و ارزش‌هایی تعریف می‌کند که به زندگی سیاسی شکل می‌دهد (بشریه، ۱۳۸۰: ۱۱۸). از نظر فارسون و مشایخی، فرهنگ سیاسی، بیانگر بینش و نگرش افراد یک جامعه به رویدادهای سیاسی و جهت‌گیری سیاسی مردم را نسبت به نظام سیاسی مشخص می‌کند (فارسون و مشایخی، ۱۳۷۹: ۱۲).

تعریف عملیاتی از فرهنگ سیاسی در پژوهش حاضر عبارت از:

"مجموعه عقاید، باورها، رفتارها، ارزش‌ها، هنجارها و نمادهایی است که: (۱) روابط افراد جامعه را در سلسله‌مراتب مسئولیت نسبت به دیگران تعیین می‌کند؛ (۲) روابط نظام راهبردی فرهنگی کشور را نسبت به ساخت‌های سیاسی و نهادهای مدنی نشان می‌دهد؛ (۳) کارکرد نظام سیاسی کشور را نسبت به مؤلفه‌های مدرن سیاسی نمایان می‌کند؛ (۴) چگونگی تعامل کنشگران سیاسی را بین خود و با دولت مردان و دیگر نهادهای اجتماعی را انعکاس می‌دهد؛ (۵) قابلیت و ظرفیت گفتمان‌سازی در جامعه را دارد؛ (۶) قابلیت انتقال نسلی دارد یعنی پیوسته در جامعه تولید و باز تولید می‌شود".

همسازی

کلمه همسازی^۴ مطابق آنچه در فرهنگ لغت فارسی وجود دارد، به معنای هم‌آهنگ، هم‌دل و موافق آمده است (عمید، ۱۳۹۱، جلد ۲: ۱۹۷۷). معادل لاتین همین کلمه با اصطلاح "Accommodation" به معنای "همسازی، تطابق، سازش با مقتضیات محیط" و به معنای "سازش با محیط" در فرهنگ انگلیسی وجود دارد (حییم، ۱۳۶۶: ۴). با اضافه شدن پسوند "ی" نسبت به کلمه همساز، اصطلاح

- 1- Parochial
- 2- Subjective
- 3- Participatory
- 4- Accommodation



همسازی به معنای هم‌آهنگی، هم‌دلی و توافق به حوزه‌های متعدد اندیشه از جمله فرهنگ سیاسی، جامعه‌شناسی، معرفت‌شناسی و حتی معماری نیز تسری یافته است. اصطلاح "همسازی" در حوزه فرهنگ سیاسی ناظر به نوعی تعامل فکری و رفتاری بین کنشگران سیاسی، دولت‌مردان و نخبه‌های جامعه است. همسازی در حوزه جامعه‌شناسی را می‌توان صورتی از فرایند اجتماعی دانست که در آن دو شخص یا بیشتر یا گروه‌های اجتماعی با کنش متقابل می‌کوشند از تعارض پیشگیری کرده یا آن را کاهش داده یا از بین ببرند (نیک‌گهر، ۱۳۸۷: ۱۶۶). با این وجود، از مفهوم همسازی، نوعی درایت و عقلانیت اجتماعی ناظر به حفظ سرمایه اجتماعی تلقی می‌گردد. همین مفهوم، از منظر جامعه‌شناسی، تشویق به مدارا و یا هم‌زیستی مسالمت‌آمیز است که می‌تواند زمینه را برای همکاری مثبت آماده کند. همسازی اساساً یک رابطه دو جانبه است که در آن طرفین رابطه، افراد، گروه‌ها یا جوامع با یکدیگر در کنش متقابل‌اند.

فرهنگ سیاسی مطلوب

مفهوم «فرهنگ سیاسی مطلوب» در پژوهش حاضر، به نوعی از «فرهنگ همسازی سیاسی»^۱ در فرایند اجتماعی شدن یا جامعه‌پذیری فرهنگی اطلاق می‌شود تا همراهی حداقلی نیروی‌های اجتماعی را اگر هم کاملاً با هم موافق نیستند، بتواند با کم‌ترین تنش در عرصه سیاسی فراهم سازد. در این رویکرد، الگوی «فرهنگ سیاسی مطلوب» به‌مثابه «کنش‌ها و رفتارهای همسازانه‌ای» است که در نظام مدیریت راهبردی فرهنگی کشور عملیاتی گردد. این الگو قادر به ارتقای هم‌افزایی ظرفیت‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی داخل نظام می‌باشد که برای گذار از رفتارهای ناهم‌سازانه به شرایط مطلوب رفتارهای همسازانه طراحی شده است.

ماهیت «ساخت‌های سیاسی و اجتماعی»^۲ در جامعه امروز، به این واقعیت اشاره دارد که جامعه متشکل از کنش‌های اتفاقی نیست، بلکه خصلت پایدار و سازمان‌یافته‌ای دارد که همان فرهنگ سیاسی است. ساختار جامعه، اصطلاحی است که به نظم و ترتیب‌های اساسی یا به الگوهای روابط اجتماعی در میان مردم اطلاق می‌گردد. ویژگی‌های ساختاری جامعه، رفتار افراد را شدیداً تحت تأثیر قرار می‌دهد. در عین حال، تلاش می‌شود تا در کنش‌ها، ویژگی‌های ساختاری بازآفرینی شوند و نیز تا اندازه‌ای تغییر یابند (گیدنز، ۱۳۸۹: ۷۹۱).

پیشینه فرهنگ سیاسی ایران

مصلى نژاد مى‌نويسد: «در فرهنگ سياسى ايران نشانه‌هاى هماهنگى، وفاق و انسجام بسيار محدودند و (عناصر) ناپايدارى در فرايندهاى ائتلاف سياسى و اجتماعى جامعه ايران بسيار زياد» (مصلى نژاد، ۱۳۸۶: ۴۱۳). به اعتقاد "لوئيس كروزر"، «واقعيت‌هاى اجتماعى ايران بيانگر آن است كه بسيارى از نشانه‌هاى وفاق ملي "ماهيت نمادين" دارند» (مصلى نژاد، ۱۳۸۶: ۴۱۳-۴۱۴).

در بررسى پژوهش‌ها عناصرى هم‌چون: «فردگرایی، جمع‌گرایی، رقابت‌ستیزی و غیرمشارکتی بودن فرهنگ سياسى گذشته ايران (جعفرپور، ۱۳۸۹: ۱۶) مشاهده مى‌گردد. نتيجه يك پژوهش ميدانى كه ناظر به اين پرسش است كه «آيا خلكيات ما ايرانيان ضعف‌هاى دارد؟»، ۹۶ درصد از جامعه آمارى متشكل از اعضاى هيئت‌علمى و گروهى از نخبه‌هاى كشور پاسخ مثبت داده‌اند. در اين پيمائش، هشت مؤلفه ناهمساى در فرهنگ سياسى ايران مورد تأكيد واقع شده است. بر اساس يافته‌هاى پژوهش «ضعف فرهنگ كارجمعى، انتقادناپذيرى، خودمحورى، رواج دروغ، سختى در گفت‌وگو و توافق پايدار و... از ضعف‌هاى خلكيات ايران مى‌باشد» (فراستخواه، ۱۳۹۴: ۲۰).

توحيدفام در كتاب "موانع توسعه فرهنگى در ايران"، مى‌نويسد: "نبود دوره طولانى و مستمر دموكراسى در ايران، از يك‌سو، موجب عدم‌رشد فرهنگ مبارزه سالم سياسى و رقابت‌آمىز و از سوى ديگر، سوق‌يافتن مخالفان سياسى به سمت مبارزه مسلحانه و خشونت‌آمىز شد و نتيجه هر دو مورد مذكور، گسترش فرهنگ حذف و ستيز در مبارزات سياسى به جاي كنش و واكنش مسالمت‌آمىز و دوستانه بود" (توحيدفام، ۱۳۸۱: ۶۵).

فقدان احزاب سياسى قديمى و باسابقه در مديريت فرهنگ سياسى ايران، باعث شده تا اغلب سياستمداران رقيب، با يكديگر نزاع كنند ... (لينزوسكى، ۱۳۵۳: ۶۵). توحيدفام، عامل توسعه‌نيافتگى فرهنگ سياسى ايران را وجود نظام شاهنشاهى و مخالفت آن با تقسيم قدرت سياسى مى‌داند و بيان مى‌كند، بدىن‌خاطر است كه هيچ‌گاه نهادهائى مشاركتى نتوانسته‌اند جايگاه واقعى خود را در ايران بيابند (توحيدفام، ۱۳۸۱: ۶۷-۶۶).

برخى محققين معتقدند، به نتيجه مطلوب نرسيدن برخى تحولات اجتماعى هم‌چون انقلاب مشروطه، وجود اختلاف و ناهمساى بين رهبران بوده است؛ البته ماهيت اختلافات از يك‌سو معطوف به خاستگاه سنتى و غيرسنتى (مدرن) عناصر و كنگشگران فرهنگ سياسى و از سوى ديگر، ناظر به توسعه‌نيافتگى نظام راهبردى فرهنگى كشور (ساخت‌هاى سياسى و نهادهائى مردمى) بوده است.

تبریزنیا (۱۳۷۱)، وجود عناصر فرهنگی توسعه‌نیافته را مانع تحقق مکانیسم‌ها و الزام‌های اصیل مشروعیت قلمداد می‌کند، او معتقد است: «فرهنگ عمومی (آن دوره) تمایلی به تغییرات بنیادی نداشت و به همین بهانه در برابر آن مقاومت‌های جدی نشان داد (تبریزنیا، ۱۳۷۱: ۲۱۶-۲۱۵).

سریع القلم (۱۳۸۹) بیان می‌دارد: «ایران (تا قبل از جمهوری اسلامی) هیچ‌گاه یک ساختار سیاسی مردم‌محور را تجربه نکرده است. بنابراین، بررسی تاریخ سیاسی ایران در واقع مطالعه تاریخ صعود و زوال عشایر است (سریع القلم، ۱۳۸۹: ۵۵).

زونیس^۱، عامل اصلی بی‌اعتمادی و بدبینی سیاسی در فرهنگ سیاسی ایران را ناشی از عدم تحرک سیاسی، اجتماعی و اقتصادی (توسعه‌نیافتگی مدیریت سیاسی) ایرانیان معرفی می‌کند (زونیس، ۱۳۷۸: ۲۲).

مصطفی‌نژاد (۱۳۸۶) در تشریح عناصر بدبینی، سوءظن و عدم اعتماد به افراد خودی می‌نویسد: «بی‌اعتمادی در عرصه سیاست خارجی به حوزه‌های سیاست داخلی نیز منتقل می‌شود که در آن نیروهای اجتماعی مختلف ستون پنجم دشمن شمرده می‌شوند» (مصطفی‌نژاد، ۱۳۸۶: ۱۵۹-۱۵۸).

براساس تحلیل «یرواند آبراهامیان»، ریشه فرقه‌گرایی ایرانیان معطوف به «سیاست بی‌اعتمادی و سوءظن» قلمداد می‌شود (ایران‌نژاد، ۱۳۸۵: ۱۱۹-۱۱۸)؛ اگرچه، نتیجه تحقیق ایران‌نژاد، عناصر ناهمسازی هم‌چون «بی‌اعتمادی»، «سوءظن»، «بدبینی»، «غیرمشارکتی» و «فرقه‌گرایی» در فرهنگ سیاسی ایران را تأیید می‌کند، ولی توجه به پیشینه ژئوپلیتیک ایران، حملات نظامی و اشغال سرزمینی که از ناحیه شمال و جنوب توسط روسیه و انگلیس به ایران تحمیل شد، قابل بررسی است.

چارچوب نظری پژوهش

پژوهش حاضر، براساس رویکرد نظری «آلموند و ربا» در تقسیم‌بندی سه‌گانه فرهنگ سیاسی به محدود، تبعی و مشارکتی است و از حیث مدیریت ساختاری معطوف به نظریه کارکردگرایی (پارسونز) است. براساس دو رویکرد نظری یادشده، دستگاه مفهومی یا رویکرد نظری الگوی «فرهنگ سیاسی مطلوب» جهت مدیریت راهبردی فرهنگی کشور ایران ارائه می‌گردد. پژوهش حاضر درصدد آن است تا جامعه‌پذیرسازی فرهنگ سیاسی مطلوب را با اقتباس از رویکرد نظری پارسونز معطوف به الگوهای چهارگانه متعارف^۲ به قرار زیر صورت‌بندی نماید:

الف) حفظ انسجام و همبستگی اجتماعی^۱، این کارویژه به وسیله نهادهایی چون مذهب، فرهنگ و خانواده انجام می شود که مجموعاً تشکیل دهنده نظام ارزشی جامعه است.

ب) ایجاد همبستگی و حل منازعه^۲ که ناظر به نظام هنجاری یا حقوقی جامعه است. در واقع، نظام حقوقی در هر جامعه ای مجری این کارویژه است.

ج) نیل به اهداف^۳ که به وسیله نظام سیاسی انجام می شود.

د) انطباق با شرایط متغیر و جدید^۴ که به وسیله نهادهای نظام اقتصادی اجرا می گردد (بشیریه، ۱۳۹۲: ۸۵-۸۶).

بنابراین، در شاخص سازی دستگاه مفهومی تحقیق حاضر از ابعاد اعتقادی (باورها)، ارزش ها (مشروعیت)، هنجارها (حقوقی) و رفتاری (ایستارهای سیاسی و امور عرفی) استفاده شده است. مدل برگرفته شده از نظریه پارسونز معطوف به ابعاد چهارگانه نظری و تعریف عملیاتی در جدول ذیل (جدول شماره ۱) ارائه گردیده است:

جدول ۱. مدل برگرفته شده از رویکرد نظری پارسونز

| شاخص ها | مؤلفه ها | ابعاد نظری اقتباس شده | نظریه |
|---|----------------------------------|-----------------------|---------------------|
| مشروعیت دینی، مشروعیت اجتماعی (مردم سالاری) | مبنای مشروعیت | باورها و ارزش ها | کلرکد گرایی پارسونز |
| حقوق اجتماعی، حقوق سیاسی | نظام حقوقی | هنجارها | |
| احزاب و گروه ها، رسانه های مجازی، مطبوعات | مؤسسات اجتماعی، توسعه، نوسازی | نهادهای | |
| مشارکت سیاسی، فعالیت سیاسی، آزادی بیان و اندیشه | انتخابات، مشارکت مردمی | نقش ها | |

- 1- Pattern Maintenance
- 2- Integration
- 3- Goal attainment
- 4- Adaptation



همچنین از رویکرد نظری آلموند و وربا در تقسیم فرهنگ سیاسی به (محدود، تبعی و مشارکتی)، در ترسیم مدل مفهومی استفاده می‌گردد. بنابراین، دستگاه مفهومی تحقیق حاضر شامل چهار عامل، سیزده مؤلفه و بیست و هفت شاخص است. مدل برگرفته شده است از صورت‌بندی دو رویکرد نظری (آلموند و وربا / پارسونز)، با عنوان مدل مفهومی «فرهنگ سیاسی مطلوب» در جدول ذیل (جدول شماره ۲) ارائه می‌گردد:

جدول ۲. مدل فرهنگ سیاسی مطلوب / تأکید بر ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌ها

| مفهوم | ابعاد | مؤلفه‌ها | شاخص‌ها |
|-------------------|---------|--|---|
| فرهنگ سیاسی مطلوب | اعتقادی | باور به مردم سالاری (تعیین نظام سیاسی) | شکل‌گیری نظام سیاسی از طریق مشارکت مردمی؛ حق تعیین و انتخاب نظام سیاسی؛ |
| | | مشارکت سیاسی (پذیرش خواست اکثریت) | مطلوبیت افزایش حضور آگاهانه مردم در عرصه سیاسی؛ |
| | | پذیرش حقوق شهروندی | برابری افراد در فرصتهای شغلی، تحصیلی و قانون؛ آزادی بیان و تأمین امنیت همه جانبه شهروندان؛ نفی تفتیش عقاید؛ |
| | ارزشی | خرد جمعی (پذیرش تفاوت اندیشه و سلیقه‌ها) | تمکین در مقابل عقل جمعی؛ مطلوبیت تکثر اندیشه به مثابه عامل تحرک و پویایی نظام سیاسی؛ |
| | | عدالت سیاسی | بیطرفی مراجع ناظر به مشارکت مردمی، جابه‌جایی آرام و انتقال مسالمت آمیز قدرت سیاسی، شایسته‌سالاری و گردش نخبگان |

| مفهوم | ابعاد | مؤلفه‌ها | شاخص‌ها |
|-------|--------|---------------------------------|---|
| | | قانون‌مداری | نفی هر گونه زیاده‌طلبی سیاسی، حمایت قانونی از فعالیت‌ها و تجمعات سیاسی، نظارت قانونی بر نهادهای مختلف انتخابی و انتصابی |
| | | خوش‌بینی و اعتماد | اعتماد به تفکیک قوا و استقلال قوای سه‌گانه |
| | | نقد سازنده و انتقاد سالم | فضای واقعی انتقاد به‌مثابه عامل تحرک و پویایی نظام سیاسی |
| | هنجاری | فعالیت آزاد سیاسی احزاب ... | فضای آزاد برای گفتگوهای سیاسی، رعایت قواعدبازی سیاسی، حق برگزاری تجمعات قانونی |
| | | برگزاری انتخابات سالم و رقابتی | آزادی رقابت سیاسی (حق انتخاب شدن و انتخاب کردن) |
| | | نظارت عمومی بر نهادها و مسئولین | فعالیت آزادانه رسانه‌های همگانی و مطبوعات... |
| | رفتاری | عرفی‌سازی فرهنگ سیاسی | ترویج خوش‌بینی و اعتماد در فرهنگ سیاسی، افزایش ضریب تحمل رقیب در فرهنگ سیاسی، تساهل، مدارا و چانه‌زنی در فرهنگ سیاسی |
| | | همگرایی ملی | همگرایی قومی و مذهبی (بین شیعه و سنی ...)، همگرایی بازیگران سیاسی (احزاب، گروه‌ها، مسئولین، اصناف)، همگرایی اندیشمندان و خبره‌ها (حوزه و دانشگاه) |

در واقع، مدل مفهومی از مطالعه پیشینه‌های پژوهش، رویکرد نظری آلموند و وربا و پاسونز استخراج شده است. روند اعتبارسنجی این مدل پیشنهادی از حیث پایایی و روایی طی فرایند میدانی مبتنی بر تکنیک مصاحبه عمیق با چهل متخصص حوزه‌های مربوطه مورد بررسی قرار گرفته است.

روش پژوهش

در پژوهش حاضر از روش تحقیق اسنادی، (مدارک علمی و کتابخانه‌ای)، پرسشنامه و از تکنیک مصاحبه عمیق با چهل صاحب نظر استفاده شده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از تکنیک تحلیل ساختار عاملی شامل تحلیل عامل اکتشافی و تأییدی، تحلیل مسیر مدل مفهومی و تحلیل مدل مسیر با بهره‌گیری از نرم‌افزارهای اس.پی.اس.اس و لیزرل استفاده شده است.

تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های پژوهش

داده‌های استخراج شده از پرسشنامه‌ها در محورهای زیر مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفتند:

- ۱) تحلیل ساختار عاملی، معطوف به تحلیل عامل اکتشافی مدل مفهومی تحقیق؛
- ۲) تحلیل ساختار عاملی، ناظر به تحلیل عامل تأییدی مدل مفهومی تحقیق؛
- ۳) تحلیل مسیر مدل مفهومی تحقیق؛
- ۴) تحلیل مدل مسیر.

به دلیل محدودیت در حجم مطالب مقاله، در این بخش، تنها به تحلیل ساختار عاملی (بند‌های ۱ و ۲) که اساس مقاله حاضر محسوب می‌شود، اشاره می‌گردد. مدل مفهومی «فرهنگ سیاسی مطلوب» (نمودار ۲) منتج از تجزیه و تحلیل داده‌ها (بند ۵) دارای پنج عامل (ابعاد)، سیزده مؤلفه و بیست و چهار شاخص است. در این بخش، برای شناخت شاخص‌ها و نسبت آن به مؤلفه‌ها و عامل‌ها به صورت تفکیک شده اشاره می‌شود. حال برای این که روشن شود هر شاخص مربوط به کدام مؤلفه و عامل است، از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده و نتیجه آن به تفکیک هر عامل به قرار زیر آمده است.

الف) عامل اعتقادی

مؤلفه‌ها و شاخص‌های مربوط به عامل اعتقادی در جدول ذیل (جدول شماره ۳) ارائه می‌گردد:

جدول ۳. مؤلفه‌ها و شاخص‌های مربوط به عامل اعتقادی

| شاخص‌ها | مؤلفه‌ها | عامل |
|--|---|--------------|
| مطلوبیت افزایش حضور آگاهانه مردم در عرصه سیاسی (C1) برابری افراد در فرصت‌های شغلی، تحصیلی و قانون (C2) آزادی بیان و تامین امنیت همه جانبه شهروندان (C3) نفی تفتیش عقاید (C4) مطلوبیت تکثر اندیشه به مثابه عامل تحرک و پویایی نظام سیاسی (C5) | مشارکت سیاسی (B1) پذیرش حقوق شهروندی (B2) خرد جمعی (B3) | اعتقادی (A1) |

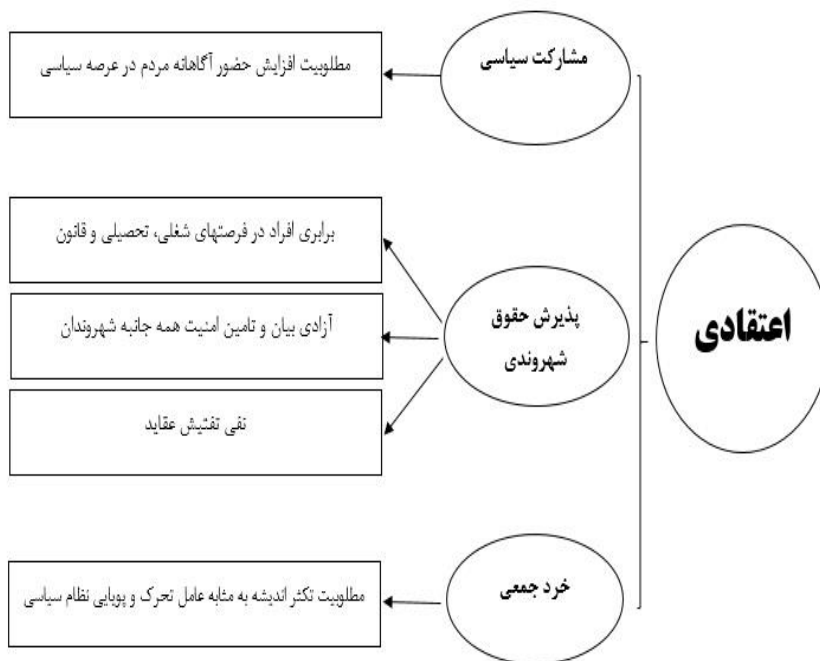
آزمون همبستگی پیرسون مؤلفه‌ها و شاخص‌های عامل اعتقادی در جدول ذیل (جدول شماره ۴) ارائه می‌گردد:

جدول ۴. آزمون همبستگی پیرسون مؤلفه‌ها و شاخص‌های عامل اعتقادی

| C5 | C4 | C3 | C2 | C1 | | |
|-------|-------|-------|-------|-------|--------------------------------|----|
| ۰/۲۳۰ | ۰/۲۷۹ | ۰/۲۷۵ | ۰/۲۷۰ | ۰/۷۰۷ | ضریب پیرسون Sig. (2-tailed) | B1 |
| ۰/۱۷۵ | ۰/۰۹۹ | ۰/۱۰۰ | ۰/۱۰۵ | ۰/۰۰۱ | ضریب پیرسون Sig. (2-tailed) | B2 |
| ۰/۲۳۲ | ۰/۶۱۷ | ۰/۵۳۹ | ۰/۴۷۵ | ۰/۲۱۰ | ضریب پیرسون Sig. (2-tailed) | B3 |
| ۰/۵۱۱ | ۰/۱۸۸ | ۰/۲۷۵ | ۰/۲۷۸ | ۰/۱۹۸ | ضریب پیرسون Sig. (2-tailed) | B3 |
| ۰/۰۰۱ | ۰/۲۸۹ | ۰/۰۹۵ | ۰/۰۹۸ | ۰/۳۰۲ | | |

با توجه به جدول فوق، مؤلفه‌ی B1 شامل شاخص C1، مؤلفه‌ی B2 شامل شاخص‌های C2 تا C4 و مؤلفه‌ی B3 شامل شاخص‌های C5 می‌شوند. عامل اعتقادی در نمودار ذیل (نمودار شماره ۱) ارائه می‌گردد:





نمودار ۱. مؤلفه‌ها و شاخص‌های مربوط به عامل اعتقادی

ب) عامل ارزشی

مؤلفه‌ها و شاخص‌های مربوط به عامل ارزشی در جدول ذیل (جدول شماره ۵) ارائه می‌گردد:

جدول ۵. مؤلفه‌ها و شاخص‌های مربوط به عامل ارزشی

| شاخص‌ها | مؤلفه‌ها | عامل |
|---|---|---------------|
| بی‌طرفی مراجع ناظر به مشارکت مردمی (C6) جابه‌جایی آرام و انتقال مسالمت آمیز قدرت سیاسی (C7) شایسته‌سالاری و گردش نخبگان (C8) نهی هر گونه زیاده‌طلبی سیاسی (C9) حمایت قانونی از فعالیت‌ها و تجمعات سیاسی (C10) | عدالت سیاسی (B4) قانون‌مداری (B5) خوش‌بینی و اعتماد (B6) نقد سازنده و انتقاد سالم (B7) | ارزشی (A2) |

| عامل | مؤلفه‌ها | شاخص‌ها |
|------|----------|---|
| | | اعتماد به تفکیک قوا و استقلال قوای سه‌گانه (C11) فضای واقعی انتقاد به مثابه عامل تحرک و پویایی نظام سیاسی (C12) |

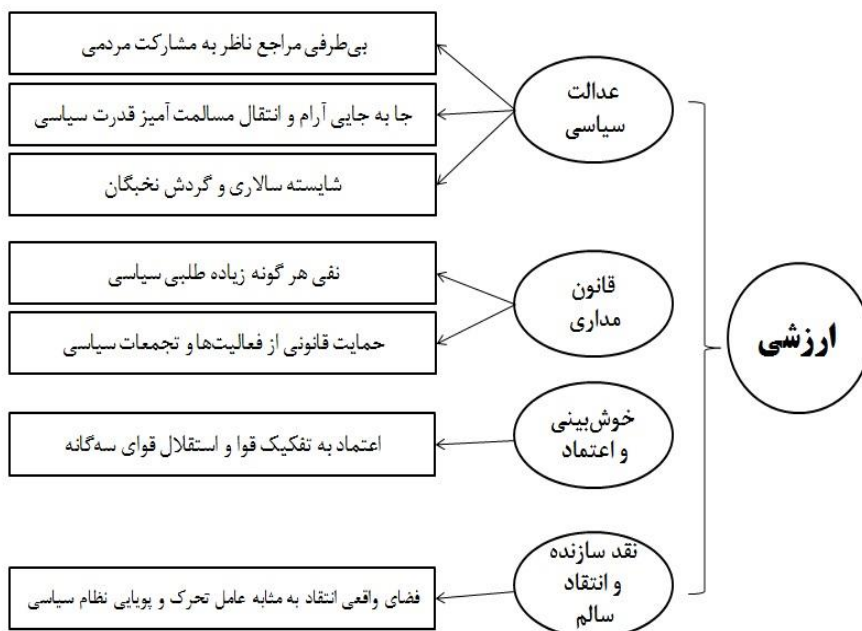
آزمون همبستگی پیرسون مؤلفه‌ها و شاخص‌های عامل ارزشی در جدول ذیل (جدول شماره ۶) ارائه می‌گردد:

جدول ۶. آزمون همبستگی پیرسون مؤلفه‌ها و شاخص‌های عامل ارزشی

| C12 | C11 | C10 | C9 | C8 | C7 | C6 | ضریب پیرسون Sig. (2-tailed) | |
|----------------|----------------|-----------------|----------------|-----------------|-----------------|-----------------|--------------------------------|--|
| ۰/۱۹۳ ۰/۲۶۱ | ۰/۱۸۵ ۰/۲۸۲ | ۰/۱۸۰ ۰/۳۰۴ | ۰/۱۹۵ ۰/۲۵۴ | ۰/۷۶۷ ۰/۰۰۱ | ۰/۵۴۹ ۰/۰۰۱ | ۰/۵۰۵ ۰/۰۰۲ | B4 | |
| ۰/۱۳۰ ۰/۴۴۹ | ۰/۰۲۶ ۰/۸۷۸ | ۰/۶۵۹ ۰/۰۰۱ | ۰/۷۵۲ ۰/۰۰۱ | ۰/۰۲۶ ۰/۸۷۸ | ۰/۲۴۱ ۰/۱۵۸ | ۰/۱۳۲ ۰/۴۴۴ | B5 | |
| ۰/۰۶۰ ۰/۷۲۹ | ۰/۳۷۸ ۰/۰۲۳ | -۰/۰۳۸ ۰/۸۲۶ | ۰/۰۵۰ ۰/۷۷۴ | -۰/۱۶۰ ۰/۳۵۰ | -۰/۰۰۵ ۰/۹۷۵ | -۰/۲۱۵ ۰/۲۰۸ | B6 | |
| ۰/۶۵۸ ۰/۰۰۱ | ۰/۲۳۲ ۰/۱۷۳ | ۰/۲۷۹ ۰/۰۹۹ | ۰/۱۹۸ ۰/۳۰۲ | ۰/۲۴۲ ۰/۱۵۴ | ۰/۱۹۰ ۰/۲۶۵ | ۰/۱۳۵ ۰/۴۳۷ | B7 | |

با توجه به جدول فوق، مؤلفه‌ی B4 شامل شاخص‌های C6، C7 و C8، مؤلفه‌ی B5 شامل شاخص‌های C9 تا C10، مؤلفه‌ی B6 شامل شاخص C11 و مؤلفه‌ی B7 شامل شاخص C12 می‌شوند. عامل ارزشی در نمودار ذیل (نمودار شماره ۲) ارائه می‌گردد:





نمودار ۲. مؤلفه‌ها و شاخص‌های مربوط به عامل ارزشی

ج) عامل هنجاری

مؤلفه‌ها و شاخص‌های مربوط به عامل هنجاری در جدول ذیل (جدول شماره ۷) ارائه می‌گردد:

جدول ۷. مؤلفه‌ها و شاخص‌های مربوط به عامل هنجاری

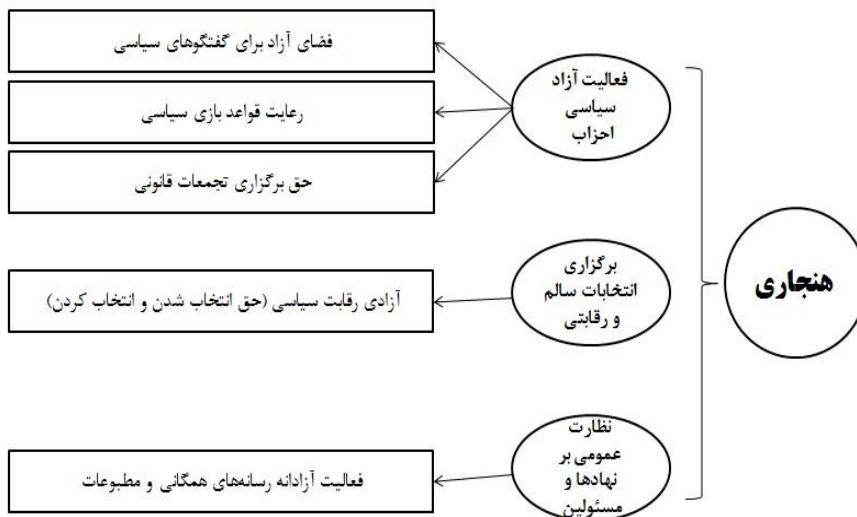
| شاخص‌ها | مؤلفه‌ها | عامل |
|---|---|----------------|
| فضای آزاد برای گفتگوهای سیاسی (C13) رعایت قواعد بازی سیاسی (C14) حق برگزاری تجمعات قانونی (C15) آزادی رقابت سیاسی (حق انتخاب شدن و انتخاب کردن) (C16) فعالیت آزادانه رسانه‌های همگانی و مطبوعات (C17) | فعالیت آزاد سیاسی احزاب (B8) برگزاری انتخابات سالم و رقابتی (B9) نظارت عمومی بر نهادها و مسئولین (B10) | هنجاری (A3) |

آزمون همبستگی پیرسون مؤلفه‌ها و شاخص‌های عامل هنجاری در جدول ذیل (جدول شماره ۸) ارائه می‌گردد:

جدول ۸. آزمون همبستگی پیرسون مؤلفه‌ها و شاخص‌های عامل هنجاری

| C17 | C16 | C15 | C14 | C13 | | |
|-------|--------|-------|-------|-------|-----------------|------------|
| ۰/۲۷۵ | ۰/۱۸۰ | ۰/۷۰۴ | ۰/۶۱۶ | ۰/۵۹۹ | ضریب پیرسون | B8 |
| ۰/۰۹۵ | ۰/۳۰۴ | ۰/۰۰۱ | ۰/۰۰۱ | ۰/۰۰۱ | Sig. (2-tailed) | |
| ۰/۲۴۲ | ۰/۶۴۳ | ۰/۱۳۲ | ۰/۱۹۰ | ۰/۱۹۳ | ضریب پیرسون | B9 |
| ۰/۱۵۴ | ۰/۰۰۱ | ۰/۴۴۴ | ۰/۲۶۵ | ۰/۲۶۱ | Sig. (2-tailed) | |
| ۰/۴۹۸ | -۰/۲۱۵ | ۰/۲۱۰ | ۰/۲۷۹ | ۰/۲۴۱ | ضریب پیرسون | B10 |
| ۰/۰۰۲ | ۰/۲۰۸ | ۰/۱۲۱ | ۰/۰۹۹ | ۰/۱۵۸ | Sig. (2-tailed) | |

با توجه به جدول فوق، مؤلفه‌ی B8 شامل شاخص‌های C13، C14 و C15، مؤلفه‌ی B9 شامل شاخص C16 و مؤلفه‌ی B10 شامل شاخص C17 می‌شوند. عامل هنجاری در نمودار ذیل (نمودار شماره ۳) ارائه می‌گردد:



نمودار ۳. مؤلفه‌ها و شاخص‌های مربوط به عامل هنجاری

د) عامل رفتاری

مؤلفه‌ها و شاخص‌های مربوط به عامل رفتاری در جدول ذیل (جدول شماره ۹) ارائه می‌گردد:

جدول ۹. مؤلفه‌ها و شاخص‌های مربوط به عامل رفتاری

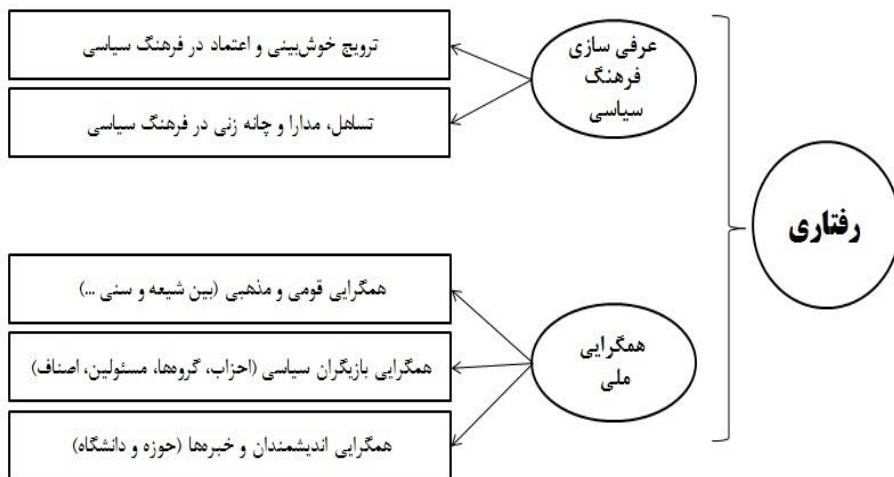
| عامل | مؤلفه‌ها | شاخص‌ها |
|----------------|---|---|
| رفتاری (A4) | عرفی‌سازی فرهنگ سیاسی (B11) همگرایی ملی (B12) | ترویج خوش‌بینی و اعتماد در فرهنگ سیاسی (C18) |
| | | تساهل، مدارا و چانه‌زنی در فرهنگ سیاسی (C19) |
| | | همگرایی قومی و مذهبی (بین شیعه و سنی ...) (C20) |
| | | همگرایی بازیگران سیاسی (احزاب، گروه‌ها، مسئولین، اصناف) (C21) |
| | | همگرایی اندیشمندان و خبره‌ها (حوزه و دانشگاه) (C22) |

آزمون همبستگی پیرسون مؤلفه‌ها و شاخص‌های عامل رفتاری در جدول ذیل (جدول شماره ۱۰) ارائه می‌گردد:

جدول ۱۰. آزمون همبستگی پیرسون مؤلفه‌ها و شاخص‌های عامل رفتاری

| | C22 | C21 | C20 | C19 | C18 | | |
|-----|-------|-------|-------|-------|-------|--------------------------------|--|
| B11 | ۰/۰۲۶ | ۰/۲۷۵ | ۰/۲۴۲ | ۰/۵۵۲ | ۰/۵۲۴ | ضریب پیرسون Sig. (2-tailed) | |
| | ۰/۸۷۸ | ۰/۰۹۵ | ۰/۱۵۴ | ۰/۰۰۱ | ۰/۰۰۱ | | |
| B12 | ۰/۵۲۲ | ۰/۵۰۱ | ۰/۴۹۹ | ۰/۲۵۹ | ۰/۲۷۹ | ضریب پیرسون Sig. (2-tailed) | |
| | ۰/۰۰۱ | ۰/۰۰۲ | ۰/۰۰۲ | ۰/۱۱۶ | ۰/۰۹۹ | | |

با توجه به جدول فوق، مؤلفه‌ی B11 شامل شاخص‌های C18 و C19 و مؤلفه‌ی B12 شامل شاخص‌های C20 تا C22 می‌شوند. عامل رفتاری در نمودار ذیل (نمودار شماره ۴) ارائه می‌گردد:



نمودار ۴. مؤلفه‌ها و شاخص‌های مربوط به عامل رفتاری

هـ) عامل زیرساختی

مؤلفه‌ها و شاخص‌های مربوط به عامل زیرساختی در جدول ذیل (جدول شماره ۱۱) ارائه می‌گردد:

جدول ۱۱. مؤلفه‌ها و شاخص‌های مربوط به عامل زیرساختی

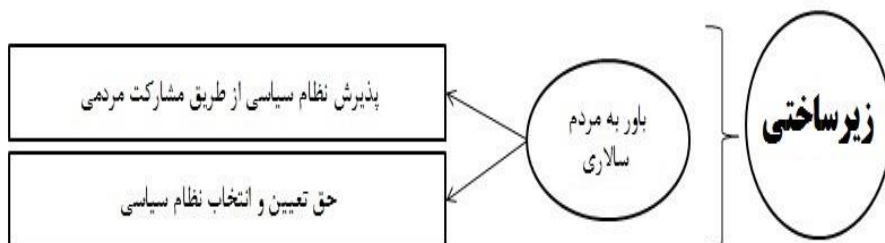
| شاخص‌ها | مؤلفه‌ها | عامل |
|---|---------------------------|---------------|
| پذیرش نظام سیاسی از طریق مشارکت مردمی (C23) حق تعیین و انتخاب نظام سیاسی (C24) | باور به مردم سالاری (B13) | زیرساختی (A5) |

آزمون همبستگی پیرسون مؤلفه‌ها و شاخص‌های عامل زیرساختی در جدول ذیل (جدول شماره ۱۲) ارائه می‌گردد:

جدول ۱۲. آزمون همبستگی پیرسون مؤلفه‌ها و شاخص‌های عامل زیرساختی

| | | | |
|------------|------------|-----------------|------------|
| C24 | C23 | | |
| ۰/۴۴۱ | ۰/۶۵۹ | ضریب پیرسون | B13 |
| ۰/۰۰۷ | ۰/۰۰۱ | Sig. (2-tailed) | |

با توجه به جدول فوق، مؤلفه‌ی B13 شامل شاخص‌های C23 و C24 می‌شوند. عامل زیرساختی در نمودار ذیل (نمودار شماره ۵) ارائه می‌گردد:



نمودار ۵. مؤلفه‌ها و شاخص‌های مربوط به عامل زیرساختی

نتیجه روند تجزیه و تحلیل داده‌ها منجر به استخراج مدل مفهومی «فرهنگ سیاسی مطلوب» در پنج عامل، سیزده مؤلفه و بیست و چهار شاخص گردید که در جدول ذیل (جدول شماره ۱۳) ارائه می‌گردد:

جدول ۱۳. شاخص‌ها، مؤلفه‌ها و عوامل مدل مفهومی «فرهنگ سیاسی مطلوب»

| عوامل | مؤلفه‌ها | شاخص‌ها |
|----------|---------------------|---|
| زیرساختی | باور به مردم سالاری | پذیرش نظام سیاسی از طریق مشارکت مردمی |
| | | حق تعیین و انتخاب نظام سیاسی |
| اعتقادی | مشارکت سیاسی | مطلوبیت حضور آگاهانه مردم در عرصه سیاسی |

| عوامل | مولفه‌ها | شاخص‌ها |
|--------|--------------------------------|---|
| | پذیرش حقوق شهروندی | برابری فرصت‌های شغلی، تحصیلی و قانونی |
| | | آزادی بیان سیاسی و تأمین امنیت همه‌جانبه شهروندان |
| | | نفی جست‌وجوی عقاید |
| | خرد جمعی | مطلوبیت تکثر اندیشه به مثابه عامل تحرک و پویایی نظام سیاسی |
| | | بی‌طرفی مراجع ناظر به مشارکت مردمی |
| ارزشی | عدالت سیاسی | جابجایی آرام و مسالمت‌آمیز قدرت سیاسی |
| | | شایسته‌سالاری و گردش نخبه‌ها |
| | | نفی هرگونه زیاده‌طلبی سیاسی |
| | قانون‌مداری | حمایت قانونی از فعالیت‌ها و تجمعات سیاسی |
| | | اعتماد به تفکیک قوا و استقلال قوای سه‌گانه |
| | خوش‌بینی و اعتماد | فضای واقعی انتقاد به‌مثابه عامل تحرک و پویایی نظام سیاسی |
| | نقد سازنده و انتقاد سالم | فعالیت آزاد برای گفتگوهای سیاسی |
| هنجاری | فعالیت آزاد سیاسی احزاب ... | رعایت قواعد بازی سیاسی |
| | | حق برگزاری تجمعات قانونی |
| | | آزادی رقابت سیاسی (حق انتخاب شدن و انتخاب کردن) |
| | برگزاری انتخابات سالم و رقابتی | فعالیت آزادانه رسانه‌های همگانی و مطبوعات |
| | | نظارت عمومی بر نهادها و مسئولین |
| رفتاری | عرفی‌سازی فرهنگ سیاسی | ترویج خوش‌بینی و اعتماد در فرهنگ سیاسی |
| | | تساهل، مدارا و چانه‌زنی در فرهنگ سیاسی |
| | همگرایی ملی | همگرایی قومی و مذهبی (بین شیعه و سنی...) |
| | | همگرایی بازیگران سیاسی (احزاب، گروه‌ها، مسئولین، اصناف) |
| | | همگرایی اندیشمندان و خبره‌ها (حوزه و دانشگاه) |

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

مدل مفهومی «فرهنگ سیاسی مطلوب» از آن جهت که مورد اعتبار سنتی قرار گرفته و در سطح نمونه آماری منتخب و متخصص تأیید شده است؛ به‌مثابه یک الگوی نظری (مشمول بر پنج عامل، سیزده مؤلفه و بیست‌و‌چهار شاخص)، قابلیت بهره‌گیری در مدیریت راهبردی فرهنگی کشور را دارد.

دستاورد پژوهش حاضر، این گزاره را تأیید می‌نماید که «جامعه در جهان مدرن امروز پدیده‌ای پویا، تأثیرگذار و تأثیرپذیر به‌شمار می‌رود. دسترسی مردم به منابع اطلاعاتی و ابزارهای ارتباط جمعی؛ نشان از شکل‌گیری قدرت جدید اجتماعی (شبکه‌ای شدن جامعه) دارد و فرهنگ سیاسی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. جامعه جدید، به اقتضای برخورداری از ساخت‌های سیاسی شبکه‌ای به فرهنگ سیاسی مطلوب این ساخت‌ها می‌پردازد و نیازمند مدیریت راهبردی فرهنگی تعامل‌گرا و هم‌سازانه خواهد بود؛ مدیریتی که معطوف به دانش، تجربه، عقلانیت، هماهنگی و همکاری همه ذی‌نفعان در حوزه سیاسی باشد».

موفقیت مدیریت راهبردی جامعه معاصر ایران، بدون رفع محدودیت‌هایی که ریشه در برخی رویکردهای مدیریت سیاسی پیشین داشته، ممکن نیست. فرهنگ سیاسی مطلوب با مؤلفه‌ها و شاخص‌های به‌دست‌آمده در این پژوهش می‌تواند مردم‌سالاری دینی را نهادینه سازد.

منابع و مآخذ

الف) منابع فارسی

- آشوری، داریوش (۱۳۸۹). تعریف‌ها و مفهومی فرهنگ، چاپ چهارم، تهران: نشر آگه.
- ایران‌نژاد، علیرضا (۱۳۸۵). تدوین مبانی و مفروضات اساسی فرهنگ کشور، تهران: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۰). موانع توسعه سیاسی در ایران، تهران: نشر گام نو.
- بشیریه، حسین (۱۳۹۲). جامعه‌شناسی سیاسی، نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی، چاپ بیست‌ویکم، تهران: نشر نی.
- تبریزینیا، حسین (۱۳۷۱). علل ناپایداری احزاب سیاسی در ایران، تهران: مرکز نشر بین‌الملل.
- توحیدفام، محمد (۱۳۸۱). موانع توسعه فرهنگی در ایران، چاپ اول، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- جعفرپور کلوری، رشید (۱۳۸۹). فرهنگ سیاسی در ایران، چاپ اول، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- جمعی از نویسندگان (بی تا). فرهنگ فلسفه و علوم اجتماعی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.
- چلبی، مسعود (۱۳۸۹). جامعه‌شناسی نظم، چاپ پنجم، تهران: نشر نی.
- رضائیان، علی (۱۳۷۹). مبانی سازمان و مدیریت، چاپ اول، تهران: سمت.
- روشه، گی (۱۳۷۹). کنش اجتماعی، ترجمه هما زنجانی‌زاده، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- سریع‌القلم، محمود (۱۳۸۹). فرهنگ سیاسی ایران، چاپ اول، تهران: نشر فرزاد.
- سمیح، فارسون؛ مشایخی، مهرداد (۱۳۸۷). فرهنگ سیاسی، ترجمه معصومه خالقی، چاپ دوم، تهران: انتشارات مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- سورین، ورنر؛ تانکارد، جیمز (۱۳۸۶). نظریه‌های ارتباطات، ترجمه علیرضا دهقان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- شایان‌مهر، علی‌رضا (۱۳۷۷). دایره‌المعارف تطبیقی علوم اجتماعی، چاپ اول، تهران: نشر کیهان.
- صالحی‌امیری، سید رضا (۱۳۸۶). مفاهیم و نظریه‌های فرهنگی، چاپ اول، تهران: انتشارات ققنوس.
- عالم، عبدالرحمن (۱۳۹۱). بنیادهای علم سیاست، چاپ بیست‌وچهارم، تهران: نشر نی.
- علاقه‌بند، علی (۱۳۸۶). مدیریت عمومی (ویراست دوم)، چاپ شانزدهم، تهران: نشر روان.

- عمید، حسن (۱۳۹۱). فرهنگ فارسی عمید، جلد دوم، چاپ سی و یکم، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- فراست‌خواه، مقصود (۱۳۹۴). ما ایرانیان: زمینه کاوی تاریخی و اجتماعی خلیقات ایرانی، چاپ اول، تهران: نشر نی.
- کینز، تام و همکاران (۱۳۷۹). طرح‌ریزی واحدهای صنعتی، ترجمه رضا زنجیرانی فراهانی، چاپ اول، تهران: ترمه.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۹). جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، چاپ بیست و پنجم، تهران: نشر نی.
- لینزوسکی، جورج (۱۳۵۳). رقابت روسیه و غرب در ایران، ترجمه اسماعیل رائین، تهران: نشر جاویدان.
- مصلی‌نژاد، عباس (۱۳۸۶). فرهنگ سیاسی در ایران، چاپ اول، تهران: نشر فرهنگ صبا.
- مندارس، هانری (۱۳۴۹). مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه باقر پرهام، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- نیک‌گهر، عبدالحسین (۱۳۸۷). مبانی جامعه شناسی، چاپ دوم، تهران: انتشارات توتیا.

(ب) منابع انگلیسی

- Almond, Gabriel A. & Verba, S. (1968). *Principal investigators, The Five Natin Study*, Ann Arbor, MI: Michigan University.
- Almond, Gabriel A. & Verba, Sidney. (1989). "The Civic Culture: Political Attitudes and Democracy in Five Nations". Princeton, N .J: Princeton University Press.
- Zonis, M. (1971). "The Political Elite of iran", Princeton: Princeton University Press.

Archive of SID